

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۲، زمستان ۸۱، ص ۱۹۵-۱۹۹

نقد و بررسی نظریه ملاصدرا درباره ادراک مفاهیم کلی

سیدمحمد روضاتی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

یکی از مسائل مهم فلسفی، بحث و بررسی درباره چگونگی ادراک صور کلی و معقولات به وسیله نفس انسان است. فلاسفه اسلامی نیز به بررسی و تبیین آن پرداخته‌اند. نظریه ملاصدرا یکی از نظریات مهم و برجسته در این زمینه به شمار می‌آید. در این نوشتار ابتدا نظریه صدرالمتألهین و مبانی مهم آن به بیان درآمده، و آنگاه مورد نقد قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: مفاهیم کلی، قائم به خود، مثل افلاطونی، مثل عقلانی، احاطه وجودی، تکامل جوهری، حدوث جسمانی نفس، قدم نفس.

مقدمه

تبیین و توجیه ادراک مفاهیم کلی یکی از پیچیده‌ترین مسائل فلسفی از دیدگاه هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه است. نحوه دریافت صورتهای کلی توسط ذهن انسان، اندیشه بزرگترین فیلسوفان و متفکران را از دیرباز به خود مشغول ساخته است. افلاطون بر این باور بود که کلی موجود عینی و قائم به خود است که در یک جهان برتر موجود است (افلاطون، ۱، رساله فیدون، ب ۱). از دیدگاه افلاطون انسان که در جهان طبیعت به سر می‌برد و از لحاظ مرتبه وجودی با مثل فاصله زیادی دارد، به وسیله مشاهده آنها از راه دور مفاهیم کلی را ادراک می‌کند.

اما مشائیان به پیروی از ارسطو، منشأ دریافت مفاهیم کلی را انتزاع آنها از موجودات

جهان طبیعت می دانستند و معتقد بودند که تشکیل مفهوم کلی همان ادراک ما از وصف مشترک میان افراد محسوس است؛ و امر ذهنی صرف نیست، بلکه مبتنی بر درک ما از امور عینی است که به هیچ روی وجود مستقل و برتر ندارد (ابن سینا، طبیعیات، ۳۵۳-۳۵۷؛ خواجه طوسی، اساس الاقتباس، ۳۷۵-۳۷۷). اختلاف فلسفی بر سر تبیین نحوه ادراک مفاهیم کلی پس از دو فیلسوف بزرگ یونان باستان هم در غرب و هم در مکاتب شرقی ادامه یافت و نظریه‌های گوناگونی درباره آن ابراز شد. اما با وجود تمام تلاشهای انجام شده هنوز مسأله مذکور پاسخ کاملی نیافته است.

مقاله حاضر در صدد آن نیست که مسأله تبیین ادراک مفاهیم کلی را از تمام جوانب و دیدگاهها مورد بحث قرار دهد، بلکه هدف آن نقد و بررسی نظریه ملاصدرا درباره مسأله مذکور است.

در ابتدا به برخی از مبانی مهم نظریه ملاصدرا اشاره می شود و آنگاه نظریه وی تقریر می گردد و سپس اشکالهایی که به نظر می رسد مطرح می شود.

مبانی نظریه صدر المتألهین

- ۱- مثل عقلانی که همان افراد مجرد ماهیات مادی است، در عالم عقول موجود است (ملاصدرا، ۲۸۹/۱-۲۹۰).
- ۲- ذوات مثل به لحاظ کلیت و سعه وجودیشان نسبت به نفوس انسانها احاطه وجودی و اضافه اشراقی دارند (همانجا).
- ۳- حقیقت ادراک کلی از دیدگاه صدر المتألهین عبارت است از مشاهده مثل که از طریق ارتباط و اتصال وجودی آنها با نفس انسان حاصل می شود (همانجا).
- ۴- شرط مشاهده مثل، ارتقاء نفس به مرتبه تجرد عقلانی است (ملاصدرا، ۲۶۵/۸).
- ۵- نفس انسان از راه حرکت جوهری می تواند به مرتبه تجرد عقلانی برسد، و با مثل اتصال وجودی برقرار کند (ملاصدرا، ۲۸۹/۱-۲۹۰).
- ۶- وصول به مقام تجرد عقلانی فقط برای برخی از نفوس آدمیان امکان پذیر است، بنابراین ادراک کلی فقط برای بعضی از انسانها میسر است و شناخت عامه مردم از کلیات در حقیقت صورتی خیالی است که میان افراد یک نوع مشترک است (ملاصدرا،

نقد و بررسی نظریه ملاصدرا در باب ادراک مفاهیم کلی / ۱۹۷

۳/۴۶۰، ۸/۲۸۴، ۸/۲۶۴ - ۲۶۶).

- ۷- مشاهده مثل نفس را از اضافه اشراقی با آنها برخوردار می‌سازد که بر اثر آن به ادراک مفاهیم کلی نائل می‌شود (ملاصدرا، ۱/۲۸۹).
- ۸- کلی بودن ادراک به خاطر مشاهده ضعیف و ناقص و مبهم مثل است، چه مشاهده تام آنها به علت تعلق نفس به عالم اجسام برای انسان میسر نیست. وصف کلیت چیزی جز ابهام و اشتراک و تردید در انطباق نیست (همانجا).

تقریر نظریه ملاصدرا درباره حقیقت ادراک کلی به طور خلاصه

بر پایه مبانی یاد شده، ملاصدرا معتقد است که برای ادراک صور عقلی، نفس باید با حرکت جوهری، مرتبه ادراک حسی و خیالی را طی کند و به مقام شهود مجردات عقلی برسد، بنابراین ارتباط با عالم مثل و مشاهده آنها مستلزم اشتداد و تکامل جوهری نفس و وصول آن به مرتبه تجرد عقلانی است، زیرا مشاهده‌گر با امر مورد مشاهده باید سنخیت وجودی داشته باشد.

مقام تجرد عقلی، نفس را در حیطة اشراق و افاضه مثل قرار می‌دهد و توان مشاهده آنها را به نفس اعطا می‌کند و اتصال وجودی نفس با مجردات عقلی را متحقق می‌سازد و همین ارتباط وجودی با مثل، نفس را از اضافه اشراقی نسبت به آنها برخوردار می‌کند که در پرتو آن مظهر صور عقلی می‌شود. به علت تعلق نفس به عالم اجسام و دوری مرتبه وجودی آن نسبت به عالم عقول، مشاهده مثل از دور، مبهم و ناقص است و حاصل چنین مشاهده‌ای پیدایش مفاهیم کلی در نفس است (ملاصدرا، ۱/۲۸۸ - ۲۹۰، ۲/۶۹).

نقد نظریه

۱- نظریه ملاصدرا فقط تجربه شخصی و درونی بعضی از افراد را می‌تواند توجیه کند، بنابراین یک نظریه پردازی عرفانی است نه یک تبیین فلسفی، زیرا به جز صدرا المتألهین و هم مسلکان و پیروانش، هیچ انسانی در حال ادراک صور عقلی مثل را مشاهده نمی‌کند و چیزی جز مفاهیم کلی در ذهن خود نمی‌یابد و شاید به همین دلیل ملاصدرا می‌گوید: چون وصول به مرتبه تجرد عقلانی برای عموم مردم امکان پذیر نیست، ادراک آنان از مفاهیم کلی به شکل صورتهای خیالی است که میان افراد یک نوع

مشترک است (ملاصدرا، ۳/ ۴۶۰، ۲۸۴/۸، ۲۶۴/۸-۲۶۶).

۲- بدیهی است که ذهن در ادراک مفاهیم کلی گاهی دچار خطا می شود و وقوع خطا در ادراکهای کلی مستلزم وجود اشتباه در مشاهده مثل است و این طبیعی است، زیرا ملاصدرا مشاهده مثل را ضعیف، ناقص و مبهم می داند (ملاصدرا، ۱/ ۲۸۹-۲۹۰). بنابراین ملاکی برای تشخیص و تصحیح خطا لازم است و این ملاک باید خود نیز از سنخ مشاهده باشد، زیرا تصحیح و تشخیص خطا در مشاهده تنها از راه مشاهده ممکن است. در مورد مشاهده دوم نیز احتمال اشتباه وجود دارد، از این رو مشاهده سوم لازم است و همینطور تابی نهایت و این مستلزم محال بودن تصحیح و تشخیص خطا در ادراک مفاهیم کلی است و حال آنکه این امر ممکن است.

۳- پیدایش معرفت به مفاهیم کلی از راه مشاهده مثل عقلانی، موکول به آن است که نفس در مرحله پیشین مثل را مشاهده کرده و آنها را شناخته باشد و گرنه مشاهده حقایق ناشناخته چگونه می تواند منشأ معرفت به مفاهیم کلی شود. از سوی دیگر این مرحله پیشین در جهان حاضر نیست، چون در عالم طبیعت نفس فقط با افراد محسوس آن حقایق مجرد روبرو می شود و با حرکت جوهری باید از مرحله شناخت حسی و خیالی گذر کند و به مرتبه تجرد عقلانی برسد تا توان مشاهده مثل را به دست آورد.

بنابراین اگر مشاهده پیشین باید در جهان قبلی صورت گرفته باشد پس باید گفت که این عقیده با مبانی ملاصدرا در باب نفس سازگار نتواند بود، زیرا صدرالمتألهین به حدوث جسمانی نفس معتقد است و قدم آن را محال می داند. او فقط وجود نفوس ناطقه را پیش از تعلق به ابدان در مرتبه وجود علت تامه خود می پذیرد، زیرا علت واجد کمالات معلول است (ملاصدرا، ۸/ ۳۳۰-۳۳۲؛ ۸/ ۳۴۶-۳۴۷). اما مشاهده پیشین مستلزم وجود متمایز معلول از علت است، نه وجود در مرتبه علت تامه که در واقع با وصف بساطت و وحدت است.

۴- بنابر نظریه ملاصدرا، کلی بودن ادراک ناشی از ضعف آن است زیرا تعلق نفس به بدن و ارتباط آن با جهان طبیعت، مانع مشاهده کامل حقایق عقلی و مثل افلاطونی می شود. به تعبیر ملاصدرا این مانند مشاهده از دور در هوای غبارآلود است یا مانند این که شخصی با بینایی ضعیف، انسانی را از دور مشاهده کند و احتمال دهد که زید یا

عمرو، یا بکر و یا خالد باشد و یا اصلاً شک کند که آیا او انسان است یا درخت یا سنگ. ادراک حاصل از مشاهده مثل هم به خاطر ضعف مُدرک از صفت کلیت، ابهام، عموم و اشتراک برخوردار می شود (ملاصدرا، ۱/ ۲۸۹-۲۹۰)، و همین صفات واقع نمایی ادراک کلی را مخدوش و بی اعتبار می کند که مستلزم شبح است و سرانجام به سفسطه می رسد. ۵- احتمال این که ارتباط با مثل افلاطونی همانند رابطه با شیاطین باشد و موجب فریب دائمی نفس انسان شود مردود نیست و بنابراین شناخت عقلی انسان اعتبار خود را از دست می دهد و به حد وساوس شیطانی تنزل پیدا می کند.

کتابشناسی

ابن سینا، الشفاء، چاپ سنگی.

افلاطون، مجموعه آثار، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، ۱۳۶۷.

ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة، بیروت،

۱۹۸۱.

طوسی، نصیرالدین، اساس الاقتباس، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۶۱.